



یادداشت

انفعال در مقابل بودجه فلاکت آور، پذیرش گرسنگی است!

صادق



مردم خاصه کارگران و بازنشستگان و کارکنان دولت که بیشترین زیان و رنج از بابت بودجه فلاکت بار دولت را می خواهند به آنان تحمیل کنند، از هم اکنون باید به صورت هرچه جمعی تر علیه دولت و بودجه فلاکت آور آن به اعتراض و مبارزه برخیزند و خواستار قطع بودجه های نجومی به نیروهای سرکوبگر و نهادهای انگلی و مفتخور همچون حوزه های علمیه، صدا و سیما و سایر نهادهای حکومتی و اختصاص آن برای بهبود دستمزد و حقوق مزدبگیران و معیشت دیگر تهی دستان شهری و روستایی بشوند. متأسفانه راه دیگری برای خلاصی از این وضع و نیفتادن در دام فقر و تنگدستی بیشتر و گرسنگی جز همبستگی و مبارزه دسته جمعی نیست.

ابراهیم رئیسی در این هفته برنامه بودجه ۱۴۰۱ دولت را جهت بررسی و تصویب در اختیار مجلس قرار داد. گزارشات و ارزیابی هایی که از زمان تحویل برنامه بودجه به مجلس تا کنون در رسانه های مختلف منتشر شده اند اکثراً نشان می دهند که بودجه سال آینده بودجه ای است بسیار آشفته، فاقد پایه علمی و کارشناسی، به نفع نهادهای حکومتی، ناعالانه، تورم زا و فقر و فلاکت آور و با کسری ۳۰۰ هزار میلیاردی.

عده زیادی از کارشناسان در عین حال که درآمدهای نفتی و مالیاتی پیشبینی شده در برنامه را دست نیافتنی خوانده اند، گفته اند بیشتر بخشهای بودجه غیر عملی هستند و به بحران های اقتصادی و اجتماعی موجود دامن خواهد زد. حتی تعدادی از کارشناسان اقتصادی نزدیک به حکومت که تا کنون در این باره اظهار نظر کرده اند در مورد بودجه و پیامدهای منفی اجتناب ناپذیر آن ابراز نگرانی کرده اند. مردم کوچه و بازار نیز که خود همه روزه با انواع مشکلات و فشارها و زورگویی و فساد دستگاه های حکومتی و گرانی و تورم دم افزون دست به گریبانند و نبض جامعه در دست شان است، بدون اظهارات کارشناسان هم می دانند که با این بودجه که همه چیز آن به ضرر شان است چه سرنوشتی در انتظارشان است.

بودجه نویسان که گویی خودشان را صاحب مملکت می دانند، در برنامه تا توانسته اند ته تمه درآمد و امکانات کشور را به ایل و تبار خودشان اختصاص داده اند و در این راه بیشترین و وقاحت را به حد اعلا رسانده اند.

افزایش ۲۴۰ درصدی بودجه سپاه، افزایش ۵۶ درصد به بودجه صدا و سیما، افزایش ۶۹ درصد به بودجه دفتر ریاست جمهوری افزایش بودجه حوزه های علمیه و نهادهای مذهبی حکومتی و سازمان تبلیغات اسلامی و... تنها نمونه هایی از



خودمانی سازی بودجه گزاران حکومتی در این برنامه ضد مردمی است که در نظر دارند آن را با حذف بودجه عمرانی، حذف ارز ترجیحی، افزایش مالیاتهای تولید کنندگان و مزدبگیران و فروش باقی مانده موسسات عمومی، منجمد کردن دستمزدها و مستمری های بازنشستگی و گران کردن کالاها، حامل های انرژی، درمان و دارو... تامین کنند

دولت فریبکار و مدعی عدالت خواهی از سویی به بهانه تورم را بودن افزایش دستمزدها در شرایط تورم ۵۰ درصدی امتناع می ورزد و با افزایش ظاهری بیش از ۱۰ درصد به دستمزد کارکنان دولت موافقت نمی کند، در همان حال ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی اختصاص یافته به کالاهای اساسی که قیمت کالاها و نرخ تورم را به اوج می رساند را حذف می کند. بودجه های نجومی ارگان های سرکوب و دستگاه های تبلیغاتی حکومت را تا ۲۴۰ درصد افزایش می دهد و ادعا می کند که برای افزایش دستمزدها و اجرای رتبه بندی معلمان و همسان سازی حقوق بازنشستگان بودجه ندارد. ادعا می کند قصد دارد با کاهش تورم و پایین آوردن قیمت ها قدرت خرید مزدبگیران را بجای افزایش دستمزد بالا ببرد، در همان حال ارز ترجیحی اختصاص یافته به کالاهای اساسی را با ۵۰۰ درصد افزوده به حدود ۲۴ هزار تومان می رساند. تنها همین یک مورد نرخ پایه کالاهای اساسی را ۵ برابر می کند! رئیس سازمان برنامه خودش هم اذعان می کند که همین یک مورد ۷ و نیم درصد تورم ایجاد می کند، که البته پیشبینی کارشناسان مستقل بسیار بیشتر از این کوچک نمایی عمدی رئیس برنامه و بودجه است. در عوض این همه گرانی و تورم به مردم قول افزایش یارانه بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار تومان را داده است که اگر ۱۲۰ هزار تومان را بدهد، در حال حاضر هم کفاف ۲ کیلو برنج نامرغوب را هم نمی دهد تا چه برسد به قیمت های رها شده در سال آینده

با این اوصاف جهت گیری فقر و فلاکت آور بودجه ضد مردمی سال ۱۴۰۱، یقیناً به غیر از اینکه به تورم و گرانی به طرز وحشتناکی دامن زده و دسترسی میلیون ها نفر به نان خالی را دشوارتر از پیش می کند، زمینه اعتراضات و خیزشها و شورشهای توده ای بیشتری را فراهم می کند. در شرایطی که هنوز بودجه به اجرا گذاشته نشده این همه اعتراض معیشتی و سراسر کشور را فرا گرفته، روشن است که اجرای این برنامه که در واقع برنامه ای شوک در مانی است چه سال پر آشوبی را باید در انتظار بود

رژیم اگر تصور می کند که با تطمیع سپاه، صدا و سیما و حوزه های علمیه و موسسات مذهبی حکومتی و کاربرد زور می تواند اعتراضات معیشتی و اقتصادی مردم جان به لب رسیده را سرکوب کند، سخت در اشتباه است. مشکل معیشت و نان که حالا آب هم به آن افزوده شده، مشکلی نیست که با زور و سرکوب و تطمیع اقلیت کوچکی از نیروهای مسلح وابسته به رژیم که اکثرشان هم باور اعتقادی شان به رژیم را مدتهاست از دست داده اند حل شدنی باشد

مردم خاصه کارگران و بازنشستگان و کارکنان دولت که بیشترین زیان و رنج از بابت بودجه فلاکت بار دولت را می خواهند به آنان تحمیل کنند، از هم اکنون باید به صورت هرچه جمعی تر علیه دولت و بودجه فلاکت آور آن به اعتراض و مبارزه برخیزند و خواستار قطع بودجه های نجومی به نیروهای سرکوبگر و نهادهای انگلی و مفتخور همچون حوزه های علمیه، صدا و سیما و سایر نهادهای حکومتی و اختصاص آن برای بهبود دستمزد و حقوق مزدبگیران و معیشت دیگر تهی دستان شهری و روستایی بشوند. متأسفانه راه دیگری برای خلاصی از این وضع و نیفتادن در دام فقر و تنگدستی بیشتر و گرسنگی جز همبستگی و مبارزه دسته جمعی نیست.

از مبارزات و مطالبات کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد و حقوق سندیکایی حمایت کنیم!

به سرکوب تشکلهای مستقل کارگری و پیگرد فعالین سندیکایی پایان دهید!



جنبش تعاونی در قرن 21 بخش نهم

جان کرل



همان مفهوم گرهی پشت اشغال خانه های خالی، توسط جنبش "کارخانه ترمیم شده" به صورت اشغال کارخانه ها و دیگر امکانات کسب و کار در امریکای لاتین – مشخصاً در آرژانتین، برزیل، اوروگوئه، مکزیک و ونزوئلا - به کار گرفته شده است. بیشتر این موارد با اشغال کارخانه ها و کسب و کارهای بسته یا ورشکسته توسط کارگران و بستگانشان شروع شده اند و غالباً به عنوان تعاونیهای کارگری بازگشائی شده اند. بسیاری از آنها - خاصه در برزیل، اوروگوئه و ونزوئلا - مورد تأیید و حمایت دولت قرار گرفته اند. امروزه در آرژانتین بیش از 200 کارخانه و شرکت اشغال شده وجود دارند که توسط تعاونیهای اداره می شوند که کارگران این مؤسسات تشکیل داده اند. بیشتر آنها مؤسسات اشغال شده سالهای بحرانی 2001 و 2002 اند. آرژانتین، غلیرغم برخورداری کمتر جنبش اشغال کارخانه ها از حمایت و تأیید دولتی، دارای بزرگترین و پرسابقه ترین جنبش معاصر کارگری "اشغال کارخانه ها" در امریکای لاتین است.

موج اخیر اشغال کارخانه ها، پس از موج نخستین سالهای قرن حاضر، در سال 2007 در اونتاریو برخاست، زمانی که کارگران دست به اشغال سه کارخانه بسته شده زدند و صاحب آنها را مجبور به قرارداد پرداخت سنوات کار کردند. در بدو امر هیچ طرحی برای بازگشائی این کارخانه ها به عنوان تعاونی وجود نداشت. این ایده در سال 2008 در شیکاگو در امریکا پا گرفت. 200 کارگر که عضو اتحادیه کارگران متحده صنایع برق بودند، دست به اشغال یک کارخانه در مجتمع بسته شده "دروپنجره سازی ریپابلیک" زدند، خواهان پرداخت حق تعطیلات و سنوات خود و ادامه عملیات کارخانه شدند. آنها را تنها سه روز پیشتر از بسته شدن کارخانه، از این بابت باخبر کرده بودند، در حالی که این امر برابر قوانین فدرال و ایالتی، حداقل 60 روز پیشتر بایست انجام می یافت. مدیریت همچنین از مذاکره با اتحادیه کارگران در باره بستن کارخانه پرهیز کرده بود. بانک امریکا و دیگر وام دهندگان به مجتمع مذکور، پس از 6 روز اشغال کارخانه، توافق کردند که حد 2 میلیون دلار از حقوق کارگران را بپردازند. در این فاصله کارگران راه بازگشائی کارخانه را پیشه کرده و به فکر ایجاد تعاونی کارگران افتاده بودند. آنها همچنین صندوقی به نام "پنجره های فرصت" را برای دریافت کمکهای فنی لازم تأسیس کرده و به مطالعه امکانات مختلف برای شروع مجدد تولید دست زده بودند. اما چنان که نماینده اتحادیه در آن زمان توضیح داد: "این واقعیت که که یک جنبش واقعی و گسترده برای اداره شرکتها توسط کارگران در امریکا وجود ندارد، این گیزنه به مراتب دشوارتر از دیگر گزینه هاست".

به عوض بازگشائی کارخانه به عنوان یک تعاونی، شرکتی که متخصص ساخت پنجره های انرژی-کارآمد بود، کارخانه "دروپنجره ریپابلیک" را در ماه فوریه 2009 خرید و آن را بازگشود. یکی از سخنگویان اتحادیه کارگری اعلام کرد که کار تمامی کارگران بیکار شده در کارخانه بازگشوده ادامه خواهد یافت. با این حال اتحادیه کارگران متحد صنایع برق وضعیت جدید را موقعیت مناسبی برای ایجاد یک تعاونی کارگری تشخیص داد. به لحاظ تاریخی، بسیاری از اتحادیه های کارگری تعاونیهای کارگری را نوعی تضعیف موقعیت خودشان ارزیابی می کنند، زیرا، به زعم آنها، تعاونیها خط بین کارگران و مدیریت را کدر می کنند. جنبش کارگری، دستکم در سطح بین المللی، از این تلقی فاصله گرفته است. امروزه سازمان بین المللی، وابسته به سازمان ملل، قویاً از تعاونیهای کارگری حمایت می کند و تعاون را بخشی از استراتژی برای نیل به اشتغال کامل به شمار می (ILO) کار، که جنبش بین المللی تعاون را نمایندگی می کند، همکاری نزدیکی دارد. گرچه جنبش نوین (ICA) آورد. این سازمان با اتحاد بین المللی تعاون تعاونی در امریکا هنوز در مرحله جنبی به سر می برد، اما از این پتانسیل برخوردار است که به یک جنبش واقعی تبدیل شود، جنبشی که فقدان آن کارگران کارخانه دروپنجره سازی ریپابلیک را ناکام گذاشت.

حق تشکل، اعتصاب و اعتراض باید تضمین شود!

برای متوقف نمودن تعرض حکومت و کارفرمایان به حقوق سندیکایی کارگران و مزدبگیران متحدانه مبارزه کنیم!



درس های ارزنده اعتصاب معلمان و ملزومات فعالیت سندیکایی

صادق



اعتصاب و اعتراض سه روزه معلمان که از ۲۰ تا ۲۲ آذر ادامه پیدا کرد، مهمترین رویداد اجتماعی و سیاسی نه تنها هفته بلکه رویدادی از این نوع در چند دهه گذشته بود. این حرکت بزرگ و مهم و با اهمیت و تاثیرگذار که به دعوت و سازماندهی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برگزار شد با چنان استقبال کم نظیری از سوی معلمان و فرهنگیان در سراسر کشور مواجه شد که برای خود سازمانگران آن هم غافلگیرانه بود. شرکت دهها هزار نفر در اعتصابی سراسری با فراخوان یک اتحادیه کارگری در ۴ دهه گذشته بی سابقه و موفقیت بزرگی برای شورای هماهنگی و رهبران و سازمانگران دیگر این رویداد مهم بود.

عوامل مختلف دیگری به غیر از رتبه بندی در رقم زدن این حرکت بزرگ اجتماعی کاملاً دموکراتیک و با خواسته های حق طلبانه و عادلانه، نقش داشتند. نارضایتی گسترده معلمان و فرهنگیان از وضعیت معیشتی و بی عدالتی های که همه روزه در مدارس سراسر کشور با آن مواجه بودند، سیاستهای آموزشی ارتجاعی حکومت، استبداد و سرکوب و اختناق حاکم در آموزش و پرورش، سقوط کیفیت برنامه های آموزشی، طبقاتی شدن روز افزون امر آموزش و خصوصی سازی و مشاهده پرتاب شدن میلیونها کودک از چرخه آموزش بخاطر فقر و نداری خانواده های آنان و اختصاص بخشی از بودجه ناچیز آموزش و پرورش به مدارس خصوصی و لاکچری. اینها همگی یقیناً در انباشت و انفجار خشم فرهنگیان نقش داشته اند و بازتاب همه آنها در شعارها و مطالبات معلمان مشهود هستند.

همین خشم و ظرفیت انفجاری را می توان در اعتراضات کارگران، پرستاران و کشاورزان نیز مشاهده کرد. نزدیکی های بسیاری نیز میان خواسته های گروه های نامبرده با همدیگر و معلمان وجود دارند، اما اینکه چرا معلمان و فرهنگیان موفق به خلق چنین اعتراض فراگیر سراسری می شوند ولی گروه های اجتماعی دیگر نمی شوند یک تفاوت آشکار وجود دارد و آن چیزی غیر از سازمانیابی نسبی سراسری معلمان و فرهنگیان در تعداد قابل توجهی از شهرها و مراکز استانها در قالب شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیست. همین عامل به معلمان امکان داده و می دهد تا بتوانند این گونه همایش های اعتراضی و مطالباتی را سازمان دهند.

نقش استقلال و انتخاب روش مبارزاتی صحیح

در میان معلمان به غیر از شورای هماهنگی تشکلهای دیگری هم وجود دارد، اما هیچکدام از آنها با وجد نارضایتی گسترده معلمان و فرهنگیان و زمینه لازم به دلایل مختلف نتوانستند حرکت اعتراضی جدی و موثری را سازمان دهند. سه علت در مورد ناکامی این تشکلهای بیش از علل دیگر دخیل بوده اند. نخست نداشتن استقلال، دوم کم داشتن انگیزه و جسارت مبارزاتی چنانکه شرایط و فرهنگیان از آنها انتظار داشته است و نداشتن اعتقاد به مبارزه خیابانی و به خیابان آوردن فرهنگیان.

هیچ یک از آنها نه تنها در فراخوان به اعتصاب سه روزه و اعتراضات خیابانی قلی نقش مستقیم نداشته اند، بلکه بعضاً به کل مخالف حرکت های اعتصابی و اعتراضی خیابانی بوده و هستند. بهمین جهت این گونه تشکلهای که بیشتر به روش چانه زنی با بالایی ها معتقدند، چون موفق نشده اند از این راه امتیازی برای معلمان و فرهنگیان کسب کنند، نتوانسته اند نفوذ چندانی در میان فرهنگیان به دست آورند. بر عکس این قسم از تشکلهای شورای هماهنگی که هم توانسته استقلال خود از احزاب حکومتی و دولتی را حفظ کند و بیشتر به فعالیت و بسیج نیرو و سازمانگری از پائین معتقد است، توانسته است با نمایندگی کردن خواسته های فرهنگیان موقعیت ویژه ای را در میان آنان به دست آورد.



در عین حال و با وجود این موقعیت منحصر به فرد، شورای هماهنگی ضمن حفظ پایبندی به پرنسپ های خود سعی کرده و می کند از طریق بحث و گفتگو و نقد با سایر تشکلهای آنها را به خود نزدیک کند و نگذارد حکومت با استفاده از این گروه ها در میان معلمان و فرهنگیان رقابت و شکاف ایجاد نموده و با این حربه حقوق فرهنگیان را پایمال کند. این تشکل گرچه ممکن است نتوانسته باشد در اقناع کردن رهبران تشکلهای دیگر به همراهی با شورای هماهنگی موفقیت قابل توجهی کسب کند، ولی توانسته شمار بیشتری از معلمان و فرهنگیان را از همین طریق با خود همراه کند.

داشتن تشکل حتی از نوع سراسری برای احقاق و ارتقا حق به خودی خود کافی نیست. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار هم که مدعی "کنفدراسیون" بودن هم هستند، در تعدادی از شهرهای کشور حکومت به آنها دفتر و دستک و امکانات زیادی داده است. با این همه این جریان هرگز نه توانسته اعتماد کارگران را جلب کند و نه با وجود زمینه فعالیت و نارضایتی و اعتراض گسترده میان کارگران طی ده ها سال گذشته اعتراض مشابهی را به رغم اینکه تعداد کارگران حدود ۲۰ برابر معلمان است سازمان دهد. علت اصلی ضعف و درماندگی این جریانات چیزی غیر از نداشتن استقلال و سرسپردگی به حکومت نیست.

نداشتن روحیه مبارزاتی در میان رهبران تشکلهای نامستقل نیز به علت وابستگی است. طبعاً مستقل بودن برای رهبران یک تشکل سندیکایی و اتحادیه ای هم ضرر و زیان و هم مزایا و امتیازاتی در بردارد که این نیز از نظر تیزبین بدنه تشکل ها پنهان نمی ماند و ملاک و معیار بر خورد آنان می شود.

در کشورهای که فعالیت اتحادیه ای و حق اعتصاب به رسمیت شناخته شده و مثل جمهوری اسلامی جرم به حساب نمی آید و حق بدیهی و طبیعی تلقی می شود و رسانه ها در آنها همجنس کیهان و جوان و مشرق نیستند. که به راحتی خوردن آب به هرکس که دلشان خواست اتهامات جعلی ببندند و برایشان پرونده امنیتی بسازند، وقتی که مذاکرات بین اتحادیه های کارگری با دولت و یا کارفرمایان به نتیجه نمی رسد، نوبت اعتصاب و تظاهرات می رسد و در نهایت خیابان است که نتیجه نهایی را رقم می زند. در ایران اما تشکلهایی هستند که به این نکات توجه ندارند و به رغم ناکامی های پیپای شان همچنان به رویه غلط چانی زنی در بالا و بدون فشار از پائین ادامه می دهند.

از اینها که بگذریم اعتصاب و اعتراض معلمان حاوی اطلاعات و تجربیات بسیار آموزنده و ارزنده ای است برای کارگران و سایر مزدبگیران و آن گروه از تشکلهای که به الزامات فعالیت اتحادیه ای که ضامن بقا و موفقیت و اعتبار هر اتحادیه ای است توجه ندارند.

این حرکت نقش و اهمیت تشکلیابی مستقلانه سراسری در سرنوشت مبارزات زحمتکشان را در عمل به اثبات رساند. بی ثمر بودن چانه زنی با بالایی ها را عیان کرد و برتری راه کار مبارزه خیابانی و از پائین را برجسته کرد. نکته قابل تأمل و با اهمیت دیگر نحوه رفتار و تعامل منطقی رهبران شورای هماهنگی معلمان در درون و برون خود و با جامعه برای بدست آوردن حمایت اجتماعی و داشتن منطق قوی برای اثبات حقانیت مبارزه و مطالبات فرهنگیان بود که به نظر من بخصوص برای مقابله با تفرقه و پراکندگی مزمن در میان جریانات کارگری بسیار آموزنده است.

آشکار است که این اعتصاب و شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان دشمنانی داشته و دارد که بیکار نخواهند نشست و تلاش خواهند کرد با ضربه زدن و ایجاد محدودیت و سرکوب و توسل به سیاست تفرقه بینداز و حکومت جلوی پیشرفت آن را بگیرند و سلاح دفاعی معلمان را که تشکیلات مستقل، دمکراتیک و مبارز است از آنان بگیرند تا بتوانند به پایمال کردن حقوق آنان ادامه دهند. بازداشت رسول بدایی و برخی دیگر از سازمانگران این اعتصاب و کشاندن محمد حبیبی به دادگا و در زندان نگاه داشتن تعداد زیادی از رهبران شورای هماهنگی از جمله اسماعیل عبدی در زندان تنها گوشه ای از اقدامات آنان خواهد بود. مقدمه یک سری اقدامات دیگر را که هر آن ممکن است شروع شود، روزی نامه های کیهان، جوانان و مشرق نیز با جعل اتهامات تازه به شورای هماهنگی و رهبران آن زمینه چینی کرده اند. لازم است تا پیش از آغاز دور تازه سرکوب همه نیروهای مترقی و آزادیخواه که دغدغه عدالت دارند با هر وسیله و امکانی که در اختیار دارند به حمایت از معلمان و رهبران شان و مبارزه و مطالبات شان اهتمام ورزند.

از مبارزات و مطالبات حق طلبانه معلمان و فرهنگیان پشتیبانی کنیم!

حق تشکل، اعتصاب و اعتراض باید تضمین شود!

برای متوقف نمودن تعرض حکومت و کارفرمایان به حقوق سندیکایی کارگران و مزدبگیران متحدانه مبارزه کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



اعتصاب و اعتراض ۳ روزه معلمان مهمترین اعتراض توده‌ای مدنی در سالهای اخیر.

اعتصاب و اعتراضات خیابانی ۳ روزه معلمان که به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از ۲۰ تا ۲۲ آذر به شکل سراسری و با شرکت ده‌ها هزار فرهنگی با شکوهی وصف‌ناشدنی برگزار شد، بی‌شک یکی از مهمترین رویداد اجتماعی دموکراتیک مدنی تأثیرگذار کشور در چند دهه گذشته است.

شمار شرکت‌کنندگان در این اعتصاب و اعتراض بسی بیشتر از دوره قبل بود و از سازماندهی بهتری برخوردار بود. گرچه در نخستین روز شروع اعتصاب رسول بدایق با هجوم پاسداران استبداد و بی‌عدالتی به خانه‌اش و پس از توهین و ضرب‌بازداشت شد، و تعدادی از تجمع‌ها با یورش نیروهای امنیتی مواجه شد، با این همه سازماندهی خوب تجمع‌ها و گستردگی شرکت‌کنندگان در آنها امکان برهم زدن و جلوگیری از اعتراضات توسط سرکوبگران اعزام شده توسط روسای نهاد‌های حکومتی را ناممکن کرد.

مجلس که در بدو امر حاضر به اختصاص بودجه برای تأمین هزینه مالی رتبه‌بندی سرهم‌بندی شده هم نبود تحت تأثیر این حرکت بزرگ و خروشان معلمان لایحه را یک روز بعد از آن ناگزیز شد به تصویب برساند تا بلکه بتواند به وسیله آن از دامن گرفتن بیشتر اعتراضات جلوگیری کند. با این وجود و به رغم این تصمیم مجلس معلمان و فرهنگیان اعلام کردند، تصویب مجلس با خواسته‌های آنان فاصله عمیق دارد و فرهنگیان مصمم هستند با وحدت و از طریق اعتراض و اعتصاب به مبارزه‌شان تا رسیدن به خواسته‌هایشان ادامه خواهند داد. از ویژگی‌های این دور از اعتراضات شرکت وسیع‌تر و موثرتر زنان در سازماندهی اعتراضات و نقش آنان در گسترده‌تر شدن دامنه اعتراضات بود. حضور گسترده زنان در تظاهرات ۲۲ آذر تهران که در مقابل مجلس برگزار شد و مقاومت‌شان به هنگام یورش نیروهای امنیتی برای بازداشت تعدادی از معلمان چنان بود که مانع بازداشت عده‌ای از همکاران‌شان شد.

مبارزه معلمان اگر چه با تصویب لایحه تعدیل شده گامی به پیش رفته است که در اثر آن حقوق معلمان اندکی افزایش می‌یابد، با این وصف اما مبارزه آنان تا رسیدن به رتبه‌بندی واقعی و سایر مطالبات دیگرشان همچنان که شاهد آن در روزهای بعد از رتبه‌بندی بوده‌ایم ادامه خواهد یافت و تهدید و سرکوب هم نخواهد توانست اراده آنان برای پیگیری حقوق‌شان را درهم بشکند. معلمان و فرهنگیان قادر خواهند بود با تقویت تشکلهای مستقل و مبارز خود و حفظ و گسترش اتحاد و همبستگی این راه دشوار را بپیمایند. اعتصاب و اعتراض سه روزه آنان نشان داد که توان و ظرفیت انجام این کار را دارند.

اکنون همه‌انهایی که دل در گرو آزادی و عدالت دارند وظیفه دارند از حرکت آزادیخواهانه و مدنی فرهنگیان فرهیخته و خواسته‌ها عادلانه و به حق‌شان پشتیبانی نموده و برای آزادی رهبران زندانی آنان با معلمان و فرهنگیان همدل و هم‌زبان شوند.

ادامه اعتراضات در شرکتهای نفتی

به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پتروشیمی رجال در اعتراض به خلف و عده شرکت نسبت به خواسته‌های کارگران در ۲۲ آذر در مقابل فرمانداری ماهشهر اعتراض کردند. به گزارش این کانال کارگری، کارگران



نفت خواستار کوتاه شدن دست شرکت‌های پیمانکاری، لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی، افزایش حقوق‌ها مطابق ارقام اعلام شده، کارگران و بهبود کیفی کمپ‌ها و غذا هستند

همچنین کانال کارگران پیمانی نفت در گزارش دیگری از شروع اعتصاب دیگری در یکی از شرکت‌های نفتی خبر داده است

گزارش کانال در مورد این اعتصاب را در ذیل ببینید

آغاز اعتصاب در آی جی سی

کارگران همکار ما در شرکت آی جی سی واقع در عسلویه، از ظهر دیروز در اعتراض به عدم اجرای وعده کارفرما در افزایش " دستمزدها و تغییر در نوبت کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت در محوطه کارگاه دست به اعتصاب زدند

همه خواسته‌های این همکاران قبلاً توسط کارفرما پذیرفته شده بود اما پافشاری و اعمال نفوذ حیدری پیمانکار پروژه مانع از تحقق مطالباتشان شده است

پاسخ ما به وعده‌هایی که به آن عمل نشود اعتصاب است

"ما تا برچیده شدن بساط زورگویی پیمانکاران به مبارزه ادامه خواهیم داد

تجمع اعتراضی کارگران برق با خواست رسمی شدن

نمایندگان کارگران شرکتی و حجمی توزیع برق در ۲۳ آذر با تجمع در مقابل مجلس خواستار تبدیل قراردادهای شرکتی و حجمی خود به رسمی شدند. گفتنی است که قرار بود در این روز طرح ساماندهی نیروهای شرکتی در دستور بررسی مجلس قرار بگیرد. اما ظاهراً بررسی آن به هفته بعد موکول شد

با این همه متأسفانه بواسطه نفوذ پیمانکاران در حکومت و سود مضاعفی که صاحبان این شرکتها از این بابت می‌برند، احتمال موافقت مجلس با تغییر قراردادهای شرکتی بسیار ناچیز است و دولت و وزیر کار نیز با این تغییر مخالفند. با این حال مبارزه پیگیرانه و سازمانیافته کارگران قادر است این مقاومت کارفرمایان و حامیان حکومتی‌شان را در هم بشکند. کار کارگران برق ماهیت مستمر دارد و این حق کارگران برق است که استخدام رسمی شوند

همچنین در همین روز تعداد دیگری از کارکنان رسمی و پیمانی پستهای انتقال برق که بعنوان کارمند استخدام شده‌اند "کلاه سفیدها" تجمع و خواستار تبدیل وضعیت شغلی خود از کارمند به کارگر شدند. علت این درخواست محروم شدن کارمندان از حق طبقه بندی مشاغل، مزد سختی کار، حق جذب، جمعه کاری به دلیل عنوان شغلی‌شان است. گفتنی است که این افراد گرچه کارمند نامیده می‌شوند، اما مشاغلی که انجام می‌دهند فنی است و محروم کردن آنان از بخشی از دستمزدهای ظلمی است در حق آنان. متأسفانه از هر وسیله و فرصتی برای پایمال کردن حقوق زحمتکشان هر جا که از دستشان برآید کوتاهی نمی‌کنند

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات راه دور شیراز

کارگران مخابرات بازنشسته راه دور شیراز در ۲۲ آذر بار دیگر و برای ششمین مرتبه در اعتراض به پرداخت نشدن حق سنوات شان پس از سالها تعلل و امتناع و خلف وعده پیاپی تجمع و خواستار پرداخت بدهی مخابرات راه دور از بابت حق سنوات شان شدند. کارگران همچنین خواستار خسارت و بهره طلب ۱۵ ساله خود هستند

گفتنی است که ابراهیم رئیسی در دو سفر تبلیغاتی که پیش از انتصابات ریاست جمهوری داشت برای کسب آرای بازنشستگان در ملاقات‌هایی که با آنان داشت قول پیگیری بدهی‌های مخابرات را داده بود ولی هیچ اقدامی برای آنان نکرد. حق سنوات یک حق قانونی است و باید به محض بازنشستگی بصورت یک جا به بازنشستگان پرداخت شود و نباید ۱۵ سال به تعویق بیفتد و بازنشسته برای گرفتن آن به این و آن مقام رجوع کند. متأسفانه الان خیلی از بازنشستگان با این مشکل مواجه‌اند و هیچ کس هم به دادشان نمی‌رسد

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری نیشابور



کارگران پیمانکاری بخش خدمات در ۲۳ آذر خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل، پرداخت حق سنوات و افزایش دستمزد خود شدند. ۳۷۰ کارگر معترض و حق طلب می گویند با حداقل دستمزد کار می کنند و با وجود اضافه کاری مزدی که به آنان داده می شود، کفاف معیشت شان را نمی دهد. مجموع دریافتی کارگران به همراه اضافه کاری و آیتم های مزدی شان حدود ۵ و نیم میلیون تومان است. گفتنی است که هزینه سبد خوراکی ها بدون احتساب هزینه مسکن حدود ۱۳ میلیون تومان است.

کارگران شرکت نفت و گاز اروندان خواستار اجرای طبقه بندی شدند

صدها کارگر شرکت نفت و گاز اروندان در ۲۳ آذر خواستار اجرای طبقه بندی شدند. این شرکت که از شرکتهای زیر مجموعه شرکت نفت است، از اجرای طبقه بندی امتناع می ورزد و همین موضوع موجب اعتراض کارگران این شرکت شده است.

ادامه اعتراضات بازنشستگان در یکشنبه های اعتراضی

بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد مطابق روال یکشنبه های اعتراضی در ۲۱ آذر در شهرهای تهران، اصفهان، اهواز، کرمانشاه و سقز به خیابان آمدند و با تجمع مقابل دفاتر تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی فولاد نسبت به امتناع و سکوت دولت به خواسته هایشان اعتراض کردند. باز نشستگان که به شدت از گرانی و تورم روز افزون و رفتار دولت برآشفته و خشمگین بودند ضمن تاکید بر ادامه اعتراض شان تا محقق کردن آنها شعار های هم علیه امتناع دولت از توجه به خواسته هایشان سر دادند. فشار معیشتی و تحمل آن روز به روز برای بازنشستگان تحمل ناپذیرتر می شود. خاصه چند برابر شدن قیمت داروها و هزینه های درمانی و بی اعتبار شدن دفترچه های بیمه، عرصه را به شدت بر بازنشستگان تنگ کرده است.

بزرگترین واگذاری تاریخ خصوصی سازی برای جبران کسر بودجه

به گزارش کانال تلگرامی اتحاد بازنشستگان

بزودی بخشی از سهام پالایشگاه شانزد (از بزرگترین پالایشگاه های تولیدکننده بنزین) و هلدینگ خلیج فارس (که بیش از ۱۵ شرکت خدماتی و تولیدی، نظیر پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی فجر و پتروشیمی مبین زیرمجموعه آن است) واگذار می شوند.

این بزرگترین واگذاری تاریخ خصوصی سازی و بورس برای جبران کسری بودجه، در دولت «انقلابی»!!! است که وزیر اقتصادش "ظاهراً از منتقدین خصوصی سازی بوده، اما امروز برحسب منافع چهره ی واقعی اش را عیان کرده است.

افزایش سن بازنشستگی چه ربطی به برنامه بودجه دارد

دولت رئیسی که رفتارش بیشتر به خلفا و نظام خلافتی می ماند، هر کاری که خود می پسند ولو اینکه خلاف قوانین جاری باشد را می خواهد از فراز قوانین به انجام برساند. هر کس که کوچکترین آشنایی با قانون و نظام پارلمانی ولو نوع فرمایشی آن داشته باشد می داند که تغییر یک سری قوانین امثال تغییر قانون بازنشستگی را دولت نمی تواند بطور سرخود و از بالای سر مجلس و بدون ارائه لایحه و تصویب آن در مجلس بطور ناگهانی و گنجاندن در برنامه بودجه یک ساله انجام دهد. با این حال اما رئیسی این کار را کرده است و افزایش ۲ سال به سن بازنشستگی را در برنامه بودجه زورچپان کرده است.

در کشورهایی که نه در سخن بلکه در عمل حق و حقوقی در قانون اساسی و قانون کار شان برای کارگران و کارمندان و سایر گروه های اجتماعی ذینفع قائل شده اند و دولتمندان خود را مکلف به رعایت آن می دانند، تغییر قوانینی همچون بازنشستگی حتی پیش از آنکه به صورت لایحه در آید ابتدا تلاش می شود که نظر اتحادیه های کارگری و بازنشستگان را در لایحه تا حدی ملحوظ و سپس آن را جهت تصویب در اختیار پارلمان قرار دهند، در نظام فقهاتی اما همه چیز وارونه است. حال باید دید فهم مجلس در برخورد با این قضیه چقدر . . است

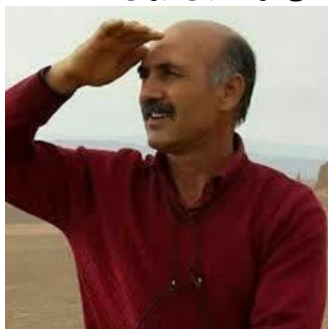
دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

ایجاد اشتغال برای بیکاران وظیفه دولت است!



'سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
رسول بدای جدیدترین خبر درباره
رسول بدای امروز جمعه ۲۶ آذر ساعت ۱۷:۳۵
عصر طی تماسی با همسر خود ضمن اعلام این نکته
که همچنان از محل نگهداری خود در سلول انفرادی
هیچ اطلاعی ندارد، نسبت به روند بازداشت خود
اعتراض کرده و اعلام داشته که در روز بازداشت
یکی از شش مامور پلیس امنیت اسلامشهر به نام
رمضانی او را مورد ضرب و شتم قرار داده و در
ماشین هم راننده ال ۹۰ ضمن ضرب و شتم و لگد
زدن، با قفل فرمان ماشین به سر و صورت او هجوم
برده و مرتب به آقای بدای فحاشی ناموسی می کرده
و نیروهای امنیتی هم تا کنون اجازه شکایت به
پزشکی قانونی را نسبت به خشونت اعمال شده به او
نداده اند. آقای بدای در این صحبت کوتاه همچنان تاکید
کرده که زیر بار وکیل تسخیری نمی رود و پیش از
این به آقایان رامین صفرنیا و حسین تاج وکالت داده
است.

شایان ذکر است نیروهای امنیتی در روز بازداشت
ضمن خراب کردن بخشی از دیوار خانه رسول بدای
و شکستن وسایل درون خانه و ضبط چند گوشی
موبایل و از جمله گوشی همسرشان و لب تاب هیچ گونه رسیدی برای اموال برده شده به آقای بدای و یا خانواده اش نداده اند.
منبع: کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران



از مبارزات فرهنگیان برای آزادی رسول بدای و دیگر معلمان زندانی متحدانه حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>